

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال پنجم، شماره‌ی نوزدهم، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۱-۱

## از اَناتوم سومری تا اردشیر پارسی: نفرین در نیشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی

حسین بادامچی\*، احسان افکنده\*\*

### چکیده

تأثیر میان‌رودان بر ساختار نهادهای سیاسی و فرهنگی شاهنشاهی هخامنشی امری نیست که بتوان از آن چشم پوشید. یکی از جنبه‌هایی که این تأثیرات در آن نمود یافته است، ایدئولوژی شاهی هخامنشیان است. نیشته‌های شاهی، یکی از موثق‌ترین منابع برای بررسی ایدئولوژی شاهی می‌باشند. در این راستا، حضور نفرین به‌عنوان یک بن‌مایه فرهنگی و نیز یکی از عناصر موجود در نیشته‌های مزبور، به‌خوبی نشان از یک سنت پیوسته فرهنگی و ادبی می‌دهد که به مدت دو هزاره، از مرحله سوم دوره‌ی دودمان‌های آغازین در سومر باستان تا پایان حیات سیاسی میان‌رودان در نیشته‌های شاهی به کار می‌رفت.

پس از فتح میان‌رودان توسط هخامنشیان، نفرین نیز به همراه سایر بن‌مایه‌های سیاسی و فرهنگی توسط آن‌ها برای نشان دادن مفاهیم مربوط به قدرت، به کار گرفته شد. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی مفهوم، گستره و انواع نفرین در خاور نزدیک باستان، سیر تحولات نفرین در نیشته‌های شاهی میان‌رودان، تداوم و تحول بن‌مایه مذکور در نیشته‌های پارسی باستان و سرانجام کارکردهای آن در نیشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی نشان داده شوند.

واژه‌های کلیدی: نفرین، خاور نزدیک باستان، نیشته‌های شاهی، میان‌رودان، هخامنشیان.

\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. ایمیل: (hbadamchi@ut.ac.ir)

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران: نویسنده مسئول. ایمیل: (ehsan.afkande@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۰ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۴/۲۳

### مقدمه

تأثیر فرهنگ و تمدن خاور نزدیک باستان - به‌ویژه میان‌رودان - بر تمدن ایران باستان در چند دهه اخیر، مورد توجه بسیاری از ایران‌شناسان و آشورشناسان روزگار ما بوده است. یکی از جنبه‌هایی که این تأثیرات نمود یافته است، ایدئولوژی شاهی و مفاهیم مربوط به قدرت است که به اشکال گوناگون متأثر از انگاره‌های میان‌رودانی و آسیای غربی می‌باشند. در اینجا قصد بر آن نیست تا به صورت جامع، به این مقوله پرداخته شود، زیرا همان‌گونه که پیش از این ذکر شد پژوهشگران زیادی به جنبه‌های گوناگون این امر پرداخته‌اند.

در بررسی تأثیرات مزبور، از جمله مواردی که می‌توان یافت، حضور بن‌مایه‌های فرهنگی و ادبی میان‌رودانی در نیشته‌های شاهی هخامنشی است که تاکنون چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. یکی از این موارد - که در تمامی جهان باستان به اقسام و اشکال گوناگون رایج بوده است - بن‌مایه فرهنگی «نفرین» است که در نیشته‌های شاهی هخامنشی به کار برده شده است. نفرین از لحاظ آیینی، رابطه نزدیکی با آفرین و دعای خیر دارد و در واقع متضاد آن به شمار می‌رود.

در نفرین، مقصود آن است تا با گفتار یا نوشتار (یا بدون دیگر کنش‌های همراه) موجب زیان و آسیب به جامعه، فرد و یا شیء مورد نظر شد.<sup>۱</sup> اثربخش بودن نفرین می‌تواند با توسل صریح یا تلویحی به نیروهای ایزدی و مینوی محقق شود و یا این‌که خود واژگان نفرین، چه در حالت گفتاری و چه نوشتاری در فرهنگ موردنظر متضمن نیروی مؤثری باشد که در مورد دوم، نفرین به مجرد ادای آن، کارگر دانسته شده و هدف نفرین، از آن پس نفرین‌شده محسوب گردد. در نهایت آسیب‌های موردنظر، گستره وسیعی را شامل آسیب به اندام‌های بدن، گرسنگی، بی‌نوایی، بی‌خانمانی، ناباروری و در حالات شدیدتر اقسام مرگ را در برمی‌گیرند.<sup>۲</sup> نکته دیگر درباره نفرین، آن است که عمل مزبور رابطه ژرفی با جادو و سحر دارد، چنان‌که ممکن است در برخی از فرهنگ‌ها همه یا انواع خاصی از نفرین در زمره جادوگری شمرده شود.

1. Lester K. Little, (1987), "Cursing", in: Encyclopedia of Religion, vol. 4, ed. Mircea Eliade, 16 vols. New York: Macmillan, 182.

2. George Scheper, (2005), "Cursing", in: Encyclopedia of Religion, vol. 3, ed. Lindsay Jones, Second ed., 15 vols. Detroit: Macmillan Reference USA, 2097-2099.

نفرین در نوشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۳

در جستار حاضر تلاش بر آن بوده است تا با بررسی سیر تاریخی نفرین در نوشته‌های شاهی میان‌رودانی و نیز هخامنشی و مقایسه آن‌ها، تأثیرات، تداوم، تحول و نیز کارکردهای بن‌مایه مزبور نشان داده شود.

### انواع نفرین در خاور نزدیک باستان

حضور فراگیر نفرین در متون خاور نزدیک باستان، نشان‌دهنده نقش فعال این پدیده‌ی فرهنگی، تقریباً در تمامی جوانب زندگی مردمان دوران باستان از مسائل ساده مربوط به زندگی مردم عادی، دادوستد و مسائل بازرگانی تا امور سیاسی و روابط پیچیده میان دولت‌های کهن می‌باشد. در واقع، یکی از مهم‌ترین کارکردهای نفرین در جوامع خاور نزدیک باستان، آسیب زدن به دشمنان و بدخواهان بود تا مردم این جوامع اعم از قبیله، شهر یا قلمرو از آنان مصون بمانند. از آن‌رو که نفرین نوعی آرزو بود و در واقع طبیعتی «خواستاری» داشت، می‌توان آن را دعاهایی برای ایزد(ان) نیز دانست. همچنین ویژگی‌های زبانی و دستوری عبارات نفرین در نوشته‌های خاور نزدیک باستان، صرف‌نظر از زبان به کار رفته، همسانی‌ها و اشتراکات آن را در میان اقوام گوناگون آشکار می‌کند. به دلیل طبیعت خواستاری گفته‌شده، عموماً افعال، وجهی تمنایی (خواستاری) به خود می‌گیرند، زمان افعال آینده وجهی و حالت نیز می‌تواند هم معلوم و هم مجهول باشد. در برخی زبان‌ها، همچون هیتی و عبری، از وجه امری برای بیان نفرین نیز استفاده شده است.<sup>۱</sup>

حضور چندین ویژگی خاص در نفرین را می‌توان برشمرد که در آن فرد نفرین‌شده را هدف قرار می‌دهد: (۱) داوری آسمانی، (۲) انگیزش خشم آسمانی، (۳) خارج شدن از حمایت ایزد(ان)، (۴) خارج شدن از حمایت جامعه و (۵) مرگ.<sup>۲</sup> برخی از این نفرین‌ها دارای خصلتی بازدارنده بوده و با قانون مشابهت دارند، زیرا هر دو با تهدید تبهکاران بالقوه تلاش می‌کنند تا از آسیب جلوگیری کنند، ولی در یک مورد با هم اختلاف دارند؛ در قانون، ضامن اجرای مجازات، نهادهای اجتماعی هستند در حالی که در نفرین، این نیروهای

1. Anne M. Kitz, "Curses and Cursing in the Ancient Near East", Religion Compass 1, no. 6, 2007, p.616.

2. Ibid., p. 618.

آسمانی هستند که ضامن تحقق مجازات می‌باشند. این نفرین‌ها زمانی به کار گرفته می‌شوند که قوانین محکوم به شکست هستند، یا جرایم تشخیص داده نمی‌شود و یا در حالات شدیدتر اصولاً قوانین از کار افتاده و متروک شده‌اند.<sup>۱</sup> از آنجا که در این جستار موضوع مورد مطالعه، نفرین‌هایی هستند که جهت‌گیری سیاسی و یا ایدئولوژیک دارند؛ لذا در طبقه‌بندی انواع نفرین، اساس تقسیم مبتنی بر این موضوع قرار داده شده است. این نفرین‌ها بر اساس موضوع (نوع آسیب) دارای گونه‌های زیر هستند:

۱) نفرین باروری، که در تمامی سنت‌های نفرین در جهان باستان دیده شده است و می‌تواند باروری انسان یا زمین را هدف قرار دهد. در این نوع نفرین، هدف از میان بردن دودمان و تبار فرد نفرین‌شده و از بین بردن حاصلخیزی زمین فرد نفرین‌شده است. عمده نفرین‌های به‌کار رفته در نیشته‌های شاهی، متعلق به این گونه می‌باشند.

۲) نفرین شهریاری، که در آن هدف از بین رفتن شهریاری یا نیروی نظامی فرمانروای نفرین‌شده است. در این گونه از نفرین‌ها، نمادهای شهریاری، قلمرو و حکومت و یا زین‌افزارهای سپاهیان شاه هدف قرار می‌گیرند.

۳) نفرین سلامتی، که در آن سلامت جسمی و یا روحی فرد نفرین‌شده هدف قرار می‌گیرد. نفرین‌های جسمی شامل، بیماری، زخم و یا مرگ هستند.

نفرین‌های موجود در منابع خاور نزدیک باستان که مربوط به نیشته‌های سیاسی و شاهی هستند، بیشتر حالت شرطی، پیشگیرانه و محافظتی دارند. از جمله موارد موجود، می‌توان به نفرین‌های زیر اشاره کرد:

۱- نفرین بر پیمان‌شکن: پیمان‌نامه‌ها، عهدها و سوگندها یکی از متداول‌ترین مواردی هستند که حاوی نفرین به شمار می‌روند. همچنین این دسته از متون، کهن‌ترین موارد ثبت شده نفرین را نشان می‌دهند. عناصر اصلی که در هر دو دسته مشترک هستند، شامل خود پیمان، فهرست ایزدان گواه و در پایان، آرایه نفرین بر فرد یا دولت پیمان‌شکن می‌باشند.<sup>۲</sup> همچنین یک ویژگی خاصی که در برخی از این پیمان‌ها به چشم می‌خورد، عمل خود

1. Jan Assmann, "When Justice Fails: Jurisdiction and Imprecation in Ancient Egypt and the Near East", *The Journal of Egyptian Archaeology* 78, 1992, p. 149.

2. Dennis J. McCarthy, (1981), *Treaty and Covenant: A study in form in the ancient Oriental documents and in the Old Testament*, Second, Rome: Biblical Institute Press, p. 122.

## نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۵

نفرینی است، به این معنی که فرد مقید در پیمان، به صورت مشروط و در صورت پیمان‌شکنی خود را نفرین می‌کند.

۲- نفرین بر متجاوز به نبشته‌ها، پیکره‌ها و بناها: این دسته از نفرین‌ها، متداول‌ترین نوع نفرین در نبشته‌های سلطنتی به شمار می‌روند. هدف از این نفرین‌ها، محافظت از نبشته‌ها، پیکره‌ها و بناها در مقابل دزدان و تخریب‌کنندگان آن‌ها که عموماً از این عمل اهداف سیاسی داشتند، بود.

## نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودان

نبشته‌های شاهی میان‌رودان، از آن رو که تا حد زیادی نشان‌دهنده یک سنت پیوسته فرهنگی از دوران سومری تا پایان دوره نو بابل می‌باشند، دارای اهمیت خاصی هستند؛ زیرا می‌توان روند تدریجی گسترش و توسعه انگاره‌های موجود در ایدئولوژی شاهی میان‌رودان و همچنین تغییراتی که در آن صورت گرفته را در یک چارچوب مشخص، مورد بررسی قرار داد، که بن‌مایه نفرین نیز از این امر مستثنی نیست.

کهن‌ترین نفرین موجود در این نبشته‌ها، متعلق به اِناتوم (سده بیست و پنجم ق.م.)، یکی از فرمانروایان دودمان نخست لاگاش در سومر می‌باشد. در نبشته اِناتوم، در یادمانی که به مناسبت پیروزی بر فرمانروای دولت - شهر اوْمَا برپا کرد (ستون کرکس‌ها)، نوع خاصی از نفرین دیده می‌شود که هدف آن هم تنبیه متجاوزین به یادبود و هم تنبیه پیمان‌شکن است؛ زیرا نفرین مزبور در روایت درگیری و پیمان متعاقب لاگاش و اوْمَا بر سر مرز به کار رفته است. در ستون چهارم (بندهای ۸-۱۵) وی فرمانروای اوْمَا را چنین نفرین می‌کند: «باشد که نینگیرسو او را بر زمین زند!» پس از شکست اوْمَا و بستن پیمان، فرمانروای آن شهر، نفرین مشروطی بر خود تقبل می‌کند که در صورت پیمان‌شکنی یا تخریب یادبود «باشد که تور جنگی بزرگ انلیل، شاه آسمان و زمین، که به آن سوگند خورده‌ام، بر اوْمَا افتد!» (ستون ۱۶، بندهای ۳۴-۴۰).<sup>۱</sup>

در دوران دودمان اکد، تغییرات عمده‌ای در محتوا و اهداف نفرین‌های مندرج بر نبشته‌های شاهی دیده می‌شود. شکل نوینی از نفرین که به باروری مرتبط است (نفرین

1. Douglas Frayne, (2008), *Presargonic period, 2700-2350 BC*, The royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 1, Toronto: University of Toronto Press, pp. 130-3..

## ۶ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۹

باروری)، به صورت عمدتاً قاعده‌مند در بخش فرجامین نبشته پدیدار می‌گردد. همچنین اهداف نفرین به ندرت پیمان‌شکنان هستند، بلکه بیشتر مقصود متجاوزین به نبشته‌ها و بناهای شاهی هستند که عمدتاً بنا به دلایل سیاسی و مشروعیت دودمانی، سعی در نابودی و مخدوش نمودن نبشته‌های شاهان پیش از خود دارند. دگرگونی مزبور، برای نخستین بار در نبشته‌ی دو زبانه (سومری / اکدی) سارگون (۲۲۷۹-۲۳۳۴ ق.م.) دیده می‌شود: «آن کس که این نبشته را بگیرد، باشد که ایزد شَمَش، بنیانش را از هم بگسلاند و دودمانش را نابود کند»، (نبشته E2.1.1.1، بندهای ۱۰۹-۱۰۲).<sup>۱</sup> حضور شمش، ایزد خورشید، به این دلیل است که وی به عنوان خدای خورشید، همواره در طول روز بر فراز زمین می‌گردد و بر همه آنچه روی می‌دهد آگاه است؛ حتی آنچه از نگاه مردمان نهان است. بنابراین با دادگری در ارتباط است. سایر نبشته‌های دوران سارگون، مضامینی کمابیش مشابه با نبشته بالا دارند، نفرین‌های به کار رفته نیز در بیشتر موارد شامل نفرین فوق می‌باشند؛ تنها تفاوت، در افزوده شدن نام انلیل پیش از نام شَمَش در برخی نبشته‌ها است.

یک عبارت نفرین دیگر، در نبشته E2.1.1.11 به کار رفته است که از جهاتی جالب توجه می‌نماید. در این نفرین برای نخستین بار، برای تضمین تحقق آن از یک تثلیث ایزدان ایزدکده سومری / اکدی یاری خواسته شده است که ظاهراً هر کدام کارکرد ویژه‌ای دارند: «آن کس که این نبشته را ویران کند، باشد که ایزد آنو نامش را از میان برد. باشد که ایزد انلیل دودمانش را براندازد. باشد که ایزدبانو اینانا نسلش را قطع کند (بندهای ۳۸-۴۸)»<sup>۲</sup> در اینجا آنو ایزد بزرگ آسمان و پدر ایزدان به همراه انلیل بزرگ ایزدان و اینانا ایزدبانوی جنگجوی باروری در تحقق نفرین، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند. آنو که نیای ایزدان و آفریدگار نخستین است نام فرد را محو می‌کند؛ زیرا نام عنصری جادویی از وجود یک فرد است، و با محو نام - که آنو به عنوان آفریدگار آغازین توانایی انجام آن را دارد - فرد نیز محو می‌شود. انلیل به عنوان بزرگ ایزدان، در آفرینش انسان نقشی اساسی داشته و همچنین در آنجا که پای نابودی نوع بشر در میان است نیز نقش اصلی را ایفا می‌کند. بنابراین نابودی دودمان فرد نفرین‌شده نیز به وی محول شده است؛ اما اجرای نفرین

1. Douglas Frayne, (1993), *Sargonic and Gutian periods (2334-2113 BC)*, The royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 2, Toronto: University of Toronto Press, p.12.

2. Ibid., p. 29.

نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۷

باروری بر عهده اینانا (معادل سومری ایشتار) است که ایزدبانوی باروری و در عین حال جنگ است.

در دوران نرامسین، چهارمین فرمانروای این دودمان، عناصر بن‌مایه نفرین تا حدی متفاوت به نظر می‌رسد. در نبشته E2.1.4.3 نرامسین، تعداد ایزدان ضامن نفرین، افزایش یافته است تا حدی که بیشتر ایزدان مهم ایزدکده میان‌رودان را شامل می‌شود: «هر کس که نبشته نرامسین، شاه اکد، سپهسالار ایزد ایلابا، را برگردد ... باشد که ایزدبانو ایشتار آنونیتوم، و ایزدان آنو، انلیل، ایلابا، سین، شمش ...، جمیع ایزدان، او را با نفرینی سهمناک، نفرین کنند، باشد که او عصای (شهریاری) را برای انلیل به دست نگیرد، باشد که او برای ایزدبانو ایشتار شهریاری را به دست نیاورد، باشد که ایزدبانوان نینخورسانگ و نینتو، او را وارث مذکر و یا فرزندی عطا نکنند ... باشد که آدد و نیسبه نگذارند تا کشتزارش آباد شود، باشد که ایزد انا آبراهه‌اش را با گل و لای مسدود کند» (ستون پنجم، بندهای ۲۳-۱۶؛ ستون ششم ۳۵-۱؛ ستون هفتم، بندهای ۹-۱).<sup>۱</sup>

نبشته‌های دوره‌ی اور سوم نیز همانند نبشته نرامسین، از خود فعل نفرین استفاده می‌کنند. در برخی از نبشته‌های اورنامو، نخستین فرمانروای این دودمان، نفرین فرد گناهکار به شهر وی و مردمش نیز تعمیم داده می‌شود: «هر آن که این نبشته را پاک کند و نام خویش را بر آن بنویسد، یا به دلیل نفرین نبشته، دیگری را وادار به این کار نماید... چه شاه باشد چه فرمانروا و چه فرماندار... باشد که باشد که شهرش از جایگاه مقدسش فرو افتد. باشد که شهرش مورد مرحمت ایزد انلیل قرار نگیرد، باشد که دروازه‌های شهرش گشوده بماند، باشد که مردان جوان شهرش کور شوند، باشد که خواب به چشم زنان جوان شهرش نیاید... (نبشته E3/2.1.1.20، بخش فرجامین)».<sup>۲</sup>

نبشته‌های شاهی، از دوران ایسن - لارسا تا آغاز تسلط آشور بر بابل (اواخر سده دهم ق.م.) نیز سبکی مشابه دوران اکدی و اور سوم دارند. در دوره نوآشوری (۷۴۴-۶۱۲ ق.م.) و متعاقب آن پادشاهی نوبابلی (۶۲۶-۵۳۹ ق.م.)، حضور نفرین در بخش فرجامین نبشته‌های شاهی به نحو چشمگیری کم‌رنگ می‌شود. برای مثال، در بیشتر نبشته‌های

1. Ibid., pp.98-9.

2. Douglas Frayne, (1997), *Ur III period (2112-2004 BC)*, Royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 3/2, Toronto: University of Toronto Press, p. 49.

سناخریب (۶۸۱-۷۰۵ ق.م.) در بخش فرجامین نبشته‌ها، مضمون جدیدی پدیدار می‌شود که می‌توان آن را به *اندرز و آفرین* تعبیر کرد. در این بخش، شاه به جانشینانش توصیه می‌کند که در صورتی که با قسمت‌های ویران‌شده این نبشته روبرو شوند، آن را بازسازی کنند و در پایان بر آنان آفرین می‌فرستد.<sup>۱</sup> در نبشته‌های شاهی نوبابلی نیز به ویژه در متونی که به ساخت پرستشگاه مربوط هستند، در بخش فرجامین، حضور نفرین کم‌رنگ شده است و این امر به ندرت رخ می‌دهد تا آنجا که در دوران نبونئید (۵۵۶-۵۳۹ ق.م.) واپسین شاه نو بابل، در نبشته‌های شاهی اثری از نفرین مشاهده نمی‌شود. شاید دلیل این امر را بتوان در وجه منفی نفرین جستجو کرد که آن را با عمومیت مثبت نگری نبشته‌های نو بابل، در تضاد قرار می‌داد.<sup>۲</sup> در بیشتر این نبشته‌ها در بخش فرجامین، نفرین با آفرین بر شاه کنونی یا شاهان دین‌دار و پرهیزکار آینده، جایگزین شده است.<sup>۳</sup> با این حال نمی‌توان حضور نفرین را در نبشته‌های شاهی نو بابل رد کرد؛ زیرا همان‌گونه که برخی از پژوهشگران نیز اشاره کرده‌اند، این وجه مثبت نگری در همه نبشته‌های شاهی نو بابل، به ویژه در نبشته‌های مربوط به ساخت و سازهای نظامی و حتی در برخی از نبشته‌های مربوط به ساخت پرستشگاه وجود ندارد.<sup>۴</sup> برای نمونه، در نبشته نبوکدنصر دوم (۶۰۴-۵۶۲ ق.م.)، مشهور به استوانه لوگل مرده، شاه پس از آفرین فرستادن و طلب مرحمت برای خود، درخواست می‌کند که: «بداندیش را در هم شکن، سلاح‌هایشان را در هم شکن، سرزمین‌های دشمنانم را ویران کن، همه آنان را نابود کن، سلاح‌های ترسناکم را که هیچ دشمنی را فرو نمی‌گذارد، برای شکست دشمنانم بلند گردانده و تیز بدار!»<sup>۵</sup>.

1. Albert Kirk Grayson and Jamie R. Novotny, (2012), *The royal inscriptions of Sennacherib, king of Assyria (704-681 BC), Part 1*, The royal inscriptions of the Neo-Assyrian period 3/1-Winona Lake: Eisenbrauns, 2012, pp. 73.

2. Hanspeter Schaudig, (2001), *Die Inschriften Nabonids von Babylon und Kyros' des Grossen samt den in ihrem Umfeld entstandenen Tendenzschriften: Textausgabe und Grammatik*, Münster: Ugarit-Verlag, p. 51.

3. Victor Hurowitz, (1992), *I have built you an exalted house: Temple building in the Bible in light of Mesopotamian and Northwest semitic writings*, London: Sheffield Academic Press, p. 306.

4. Rocío Da Riva, (2008), *The Neo-Babylonian royal inscriptions: An introduction*, Münster: Ugarit-Verlag 97.

5. Edgar J. Banks, "A Nebuchadnezzar Cylinder (With Illustrations)", *The Open Court* 4, 1915, p. 750.



## نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۹

در مجموع، می‌توان عناصر غالب بن‌مایه نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودان را چنین دانست: حضور نفرین در بخش فرجامین نبشته‌ها، وجود ایزد یا ایزدان تحقق‌بخشنده نفرین، غلبه نفرین‌های باروری در نبشته‌های شاهی و سرانجام غلبه نفرین‌هایی که مقصود آن‌ها حفظ نبشته یا پیکره شاه می‌باشد.

### نفرین در نبشته‌های شاهی هخامنشی

پیش از پرداختن به بحث حضور الگوی میان‌رودانی نفرین در نبشته‌های هخامنشی، باید به این نکته اشاره کرد که نفرین در سنت‌های هندواروپایی و به تبع آن ایرانی پیش‌هخامنشی نیز وجود داشته است. با نگاهی به اساطیر اقوام مختلف هندواروپایی، می‌توان گستره وسیعی از انواع نفرین را مشاهده کرد. فالکو در اثر خویش در خصوص نفرین در سنت‌های هندواروپایی،<sup>۱</sup> مهم‌ترین اقسام نفرین را چنین برمی‌شمارد:

(۱) نفرین تعقیب، که در آن نفرین‌گر خواستار است تا گناهکار به تعقیب ایزدان گرفتار آید. ظاهراً چنین نفرین‌هایی در فرهنگ‌های آناتولیایی هندواروپایی (هیتی و لوویایی)، بسیار مرسوم بوده‌اند.<sup>۲</sup>

(۲) تبدیل شدن به عناصر روان (آب، خاک، خاکستر): در این گونه، نفرین‌گر مخاطبین را نفرین می‌کند تا به عناصری چون آب، خاک و خاکستر مبدل گردند.<sup>۳</sup>

(۳) نفرین‌های باروری و بی‌خانمانی که در آن هدف از میان بردن دودمان یا بی‌خانمان نمودن فرد گناهکار است.

در سنت ایرانی باستان نیز به ویژه در مراحل آغازین آن به تبع سنت هندواروپایی، نفرین وجود داشته است. برای نمونه، بندهای ۱ تا ۳ از هات ۱۱ یسنا که در ستایش هوم است، متضمن نفرین‌های گاو، اسب و هوم خطاب به آن‌هایی است که آیین‌های مربوطه را به جا نمی‌آورند. فالکو نفرین‌های نخست و سوم را در دسته نفرین‌های باروری هندواروپایی قرار می‌دهد.<sup>۴</sup> در بند یکم چنین آمده است:

1. Jeffrey L. Falco, (1992), "The malediction in Indo-European tradition" (PhD Dissertation), University of California, Los Angeles.

2. Ibid., pp.22-3.

3. Ibid., p. 59.

4. Ibid., p.108.

“rāiō haiīm, ašauanō āfriuuacāhō, zauuaiiti, gāušca  
aspasca, haomasca. gāuš zaotārēm zauuaiti: uta buiīā  
afrazai tiš, uta dōuš.srauuā, hacimnō, yō maṃ xvāstam  
nōit baxšahe, āat maṃ, tūm fšaonaiēhe, nāiriā,  
vā pu rahe vā haoiīā, vā maršuiīā.”

«هرآینه، سه آسون، گاو، اسپ و هوم، با فغان نفرین کنند: گاو زئوتر را

نفرین کند: باشد که تو هم بی فرزند مانی و هم بدنام شوی، تو که مرا پخش

نمی کنی (هنگامی که من) پخته شوم، بلکه مرا فربه می کنی برای زن و فرزند

یا شکم خویش»<sup>۱</sup>

در اینجا سراینده یسنای ۱۱، برای واژه نفرین از āfriuuacāhō استفاده کرده است که هم به معنی آفرین و هم نفرین است.<sup>۲</sup> به دنبال آن، برای فعل نفرین کردن از فعل اوستایی zauuaiti (سوم شخص مفرد از ریشه zav) استفاده شده است که دارای معانی چون فغان کردن، فراخواندن و نفرین کردن است.<sup>۳</sup> در خصوص نبشته های فارسی باستان نیز فالکو می کوشد تا نفرین های سنگ نبشته بیستون را به سنت نفرین باروری هندواروپایی مربوط کند.<sup>۴</sup> اما به نظر می رسد که عبارات نفرین بیستون بیشتر با الگوی سنت میان رودانی تطابق داشته باشد تا سنت های هندواروپایی، زیرا جدا از آن که سبک عبارات و نوع نفرین های آن، همان گونه که در این بخش دیده می شود به نفرین های نبشته های شاهی دوره اکد شباهت دارند.

سیر حضور بن مایه نفرین در نبشته های شاهی هخامنشی را می توان بر اساس نبشته های مزبور، دارای دوره های تداوم و تحول در مفاهیم و به تبع آن عبارات نفرین دانست. اساس دوره های تداوم و تحول، نسخه پارسی باستان نبشته های هخامنشی در نظر گرفته شده است، از این رو که ظاهراً خود شاهان هخامنشی متن فارسی باستان را نسخه معیار می دانستند.<sup>۵</sup>

تنها نبشته ای که به صورت مستقیم نشان دهنده تداوم سنت نفرین میان رودانی است،

1. William W. Malandra, (1983), *An introduction to ancient Iranian religion: Readings from the Avesta and Achaemenid inscriptions*, Minneapolis: University of Minnesota Press, p. 158.

2. Christian Bartholomae, (1979), *Altiranisches Wörterbuch: zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten*, Berlin: W. de Gruyter, col. p. 331.

3. Ibid., col. 1667.

4. *The malediction in Indo-European tradition*, p. 101.

5. Rüdiger Schmitt, (1990), “BISOTUN iii. Darius's Inscriptions”, in: *Encyclopædia Iranica*, Vol. IV, Fasc. 3, pp.299–305.

نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۱۱

سنگ‌نبشته سه زبانه (پارسی باستان/عیلامی/اکدی) داریوش یکم در بیستون است. بن‌مایه نفرین در نبشته بیستون در ستون چهارم آمده و دو بار تکرار شده است، نخست در بند ۶۱ (سطرهای ۵۷ تا ۵۹) و سپس در بند ۶۷ (سطرهای ۷۶ تا ۸۰). نکته جالب توجه این است که نفرین‌ها در نبشته، به تنهایی ظاهر نمی‌شوند بلکه پیش از آن از بن‌مایه آفرین استفاده شده است و نیز هر دو بن‌مایه از مضمون و عباراتی کاملاً مشابه برخوردارند. در بند ۶۱ چنین آمده است<sup>۱</sup>:

“āṭī Dārayava.uš xšāyaīya: yadi imām hadugām  
apagauṣdayāhi, naiṣ āhi kārahyā, A.uramazdātaiṣ jantā  
biyā, utātaiṣ tauṣ mā mā biyā.”

«داریوش شاه گوید: اگر این گزارش را نهان بداری، و به مردم نگویی،

اهورامزدا ترا نابود کند! و ترا دودمان مباد!»

و در بند ۶۷:

“āṭī Dārayava.uš xšāyaīya: yadi imām dipim imaiṣvā  
patikarā vaiṣnāhi, vikanāhidiš utātaiṣ, yāvā tauṣ mā ahati,  
naiṣdiš paribarāhi, A.uramazdātaiṣ jantā biyā, utātaiṣ tauṣ mā  
mā biyā, utā taya kunavāhi, avataiṣ A.uramazdā nikantu.”

«داریوش شاه گوید: اگر این نبشته یا این پیکره‌ها را بینی، (و) تباهشان

کنی، و تا هنگامی که توانا هستی نگاه نداری، اهورامزدا ترا نابود کند و ترا

دودمان مباد، و آن چه کنی، اهورامزدا برایت تباهش کند!»

با نگاهی به نفرین‌های به کار رفته، درمی‌یابیم که در هر دوی آن‌ها، سه نوع نفرین به کار رفته است: نابودی فرد (نفرین سلامتی)، نداشتن دودمان (نفرین باروری انسانی) و تباه شدن دستاوردها (نفرین شهریاری)؛ هدف نخستین نفرین (و آفرین) انتقال داستان دستاوردهای قهرمانانه شاه بزرگ است و مقصود از دومین نفرین (و آفرین) حفظ و نگهداری نبشته از گزند متجاوزان به نبشته - به ویژه دشمنان سیاسی - می‌باشد. هدف نفرین، نخست در آرایه نفرین نبشته‌های میان‌رودانی کاربردی ندارد، اما نفرین دوم از لحاظ مقصود، در تطابق با الگوهای میان‌رودانی بوده که هدف آن محافظت از نبشته‌ها، پیکره‌ها، نقش برجسته‌ها و بناهای شاهی است. همچنین شباهت‌های هر دو از لحاظ محتوا با برخی نفرین‌های باروری سارگون اکدی چشمگیر است (نک. به نبشته E2.1.1.1 سارگون) در هر

۱. آوانویسی و ترجمه متن‌های پارسی باستان بر اساس خوانش رودیگر اشمیت (Schmitt 2009) می‌باشد.

دو نبشته سارگون و داریوش، نابودی فرد و فقدان دودمان برای گناهکار خواسته شده است؛ علاوه بر آن در نفرین دوم داریوش، عبارتی افزون بر نفرین نخست در پایان آمده است که دستاوردهای فرد گناهکار را هدف قرار می‌دهد. هر چند که عبارت به کار رفته، مشابه دقیقی در نبشته‌های میان‌رودانی ندارد؛ با این حال می‌توان آن را در زمره نفرین‌های شهریاری قرار داد از این‌رو که فقدان دستاوردهایی که یک شاه می‌تواند برای انجام آن‌ها بر خود ببالد (سلطنت طولانی، پیروزی‌های نظامی، محبوب ایزدان بودن و...) نفرین شهریاری است و در اینجا به گفته اشمیت مخاطب داریوش را می‌بایست شاهان آینده دانست.<sup>۱</sup>

در بخش ایزدان نفرین نیز، بزرگ ایزدان میان‌رودانی یعنی آنو، انلیل، شمش و آشور جای خود را به مهست بغان (ma-išta bagānām) ایرانی یعنی اهورامزدا داده‌اند که در ایدئولوژی شاهی انعکاس یافته در نبشته بیستون، داریوش همه دستاوردها و کامیابی‌های خود را به خواست وی (vašnā A. uramazdāha) می‌داند؛ هر چند که در آنجا به دیگر بغان (aniyāha bagāha) نیز اشاره شده است. به همین نحو، در ساختار دستوری و زبانی نبشته بیستون در خصوص عبارات نفرین همچون سایر عبارات‌های نفرینی خاور نزدیک باستان از وجه تمنایی برای افعال استفاده شده است: biyā که صیغه دوم شخص مفرد تمنایی از ریشه bav (بودن، شدن) است.<sup>۲</sup> مورد جالب توجه دیگر، معادلی است که در نسخه‌های عیلامی و اکدی نبشته بیستون برای رساندن معنی دودمان، تخمه در مقابل واژه پارسی باستان tau-mā به کار رفته است. در این دو نسخه از اندیشه‌نگار سومری NUMUN برای این مقصود استفاده شده است که حالتی کهن‌گرا دارد و در بیشتر عبارات‌های نفرین باروری مندرج در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی از دوره سارگون به بعد استفاده شده است.

پس از نبشته بیستون، نفرین به شیوه میان‌رودانی از بخش‌های فرجامین نبشته‌های داریوش و جانشینان وی ناپدید می‌گردد و جای خود را به عبارت جدیدی با مضمون اندرز برای آیندگان، یا آفرین بر شاه و درخواست از اهورامزدا و دیگر بغان برای پایدار

1. Ibid., p.304.

2. Roland G. Kent, (1953), *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, 2nd ed., New Haven: American Oriental Society, p.200.

### نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۱۳

ماندن شاه، دودمان شاهی، سرزمین خاستگاه دودمان (پارس) و نیز نبشته‌ها و بناهای شاهی می‌دهد، که این امر به گونه‌ای یادآور حذف نفرین و رواج آفرین در نبشته‌های شاهی رایج در دوره نوآشوری و نوبابی است که پیش از این بدان اشاره شد.

بنابراین شاید بتوان الگوی نوین بخش فرجامین نبشته‌های پس از بیستون را هم اسلوب و همگام با واپسین نبشته‌های شاهی میان‌رودان بدانیم؛ که در این صورت این پرسش ایجاد می‌شود که دلیل حضور نفرین به سبک کهن میان‌رودانی در نبشته بیستون که یادآور نفرین‌های مربوط به دوره دودمان اکد است، چیست؟ پاسخ پرسش مزبور را باید در رویدادهای پرآشوب سال‌های ۵۲۲/۲۱ ق. م. جست که بر تخت‌نشینی داریوش را با بحران مشروعیت مواجه کرد. همان‌گونه که فلدمن به خوبی نشان داده است، یکی از اعمال داریوش به عنوان شاهی که حقوق وی نسبت به تخت شاهی از نظر معاصرانش، نامشروع یا در بهترین حالت مشکوک به نظر می‌رسید، این بود که گزینش خود را خواست ایزدان بداند که یکی از راه‌های نشان دادن آن متصل کردن خود به شاهان و قهرمانان گذشته میان‌رودانی بود؛ چنان‌که نقش برجسته داریوش در بیستون به خوبی یادآور لوحه یادبود پیروزی نرام‌سین و نیز آنوبانینی شاه لولوبی است.<sup>۱</sup> به همین سان، حضور نفرین به سبک دوره‌ی اکد و بابل کهن را نیز می‌توان یکی از این الگوهای به وام گرفته شده از همان دوران دانست. از آن گذشته، چهار ستون نخست، که نفرین در بخش فرجامین آن آشکار می‌شود، زمانی نوشته شد که هنوز پایه‌های حکومت داریوش مستحکم نشده بود و آتش شورش همچنان در برخی نقاط شاهنشاهی زبانه می‌کشید، چنان‌که پس از سرکوب شورش‌های سال‌های دوم و سوم، به دستور داریوش، ستون پنجمی نیز به نبشته افزوده شد. مسئله اخیر، بی‌اختیار این موضوع را به ذهن می‌آورد که شاید داریوش در اندرز، آفرین و نفرین بخش فرجامین، علاوه بر شاهان و مردمان آینده، از بیم گزند سایر مدعیان شاهی بر یادگار پیروزی خود، گوشه چشمی نیز به این اصطلاحاً شاهان دروغ‌زن داشته است. همچنین همان‌گونه که در نفرین نخست مشاهده شد، هدف حفظ و انتقال دستاوردهای شاه بزرگ و یا به عبارت بهتر رواج یافتن روایت داریوش از رویدادهای پس از مرگ کمبوجیه

1. Marian H. Feldman, (2007), "Darius I and the Heroes of Akkad: Affect and Agency in the Bisitun Relief", in: Ancient Near Eastern art in context: Studies in honor of Irene J. Winter, ed. Irene Winter, Jack Cheng and Marian H. Feldman, Leiden: Brill, pp.267-8.

و توجیه حقانیت بر تخت نشینی وی است. آنچه بیشتر به این موضوع قوت می‌دهد، عدم حضور الگوی میان‌رودانی نفرین نبشته بیستون در دیگر نبشته‌های داریوش است، نبشته‌هایی که متعلق به سال‌های بعد هستند؛ یعنی هنگامی که داریوش موفق به استقرار مشروعیت دودمانی و ثبات سیاسی خود شده بود.

در هر حال از آنجا که فحوای این عبارات جدید، ماهیت حفاظتی شبیه به بخش فرجامین نبشته‌های شاهی میان‌رودان را دارد، می‌توان آن‌ها را نیز نوعی نفرین محسوب کرد. عبارات مزبور، عموماً درخواستی از اهورامزدا و دیگر بغان برای نگاهداری از شاه، دودمان، سرزمین و همچنین نبشته‌ها و بناهای شاهی است، برای نمونه در نبشته داریوش در نقش رستم (DNa) چنین آمده است:

“mām A.uramazdā pātu hacā gastā utāmai viam utā imām dahyām”

«باشد که اهورامزدا مرا و خاندانم و این سرزمین را از آسیب بپاید»

و یا در نبشته داریوش در شوش (DSe):

“mām A.uramazdā pātu hadā visai biš bagai biš utāmai viam utā taya ahyāyā dipiyā nipištām”

«باشد که اهورامزدا و همه بغان مرا و خاندانم و آنچه را که در این نبشته،

نگاشته شده است، بپایند»

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مورد دوم، خود نبشته نیز به فهرست آنچه داریوش از اهورامزدا بپایندش را خواستار است، افزوده می‌شود. همچنین در بخش ایزدان، نفرین تنها به اهورامزدا بسنده نشده است بلکه همه بغان (visai biš bagai biš) نیز به یاری خواسته شده‌اند. مضمون بخش فرجامین دیگر نبشته‌های هخامنشی نیز عموماً مشابه موارد فوق است و باید تا زمان اردشیر دوم، منتظر ماند تا ماهیت تحول در بخش فرجامین نبشته‌ها آشکار شود. در این زمان است که هویت این دیگر بغان آشکار می‌شود؛ بنا بر نبشته اردشیر دوم در شوش (A<sup>2</sup>Sa) این بغان دیگر اناهیتا و میثره هستند که به همراه مهست بغان یعنی اهورامزدا، نبشته‌ها و بناهای شاهی را از گزند و ویرانی دور نگاه می‌دارند:

“A.uramazdā Anāhita utā Mi<sup>ra</sup> mām pāntu hacā vispā gastā utā imam taya akunā mā yātum mā kayādā xxxx”

«اهورامزدا، اناهیتا و میثره مرا از هر آسیبی بپایند و آنچه را که بر ساخته‌ام

نه [جادو]، نه [کید] (تباه نکنند؟)»

در مورد بالا به یک تثلیث از بغان ایرانی یعنی اهورامزدا، آناهیتا و میتره برای حفاظت از نبشته برمی‌خوریم که پیش از این در دوره‌ی هخامنشی دیده نشده بود. معمولاً حضور آناهیتا و میتره در نبشته‌های اردشیر دوم به بعد را نشانه حضور گرایش‌های دینی جدید در ایدئولوژی سیاسی هخامنشی می‌دانند؛<sup>۱</sup> و یا این حضور سه‌گانه را با نظریه «کارکردهای سه‌گانه» دومزیل در بررسی ایزدان کهن هندواروپایی مرتبط می‌کنند.<sup>۲</sup> با این حال همان‌گونه که پانایو اشاره می‌کند شاید بتوان تثلیث مزبور را با حضور تثلیث ایزدان میان‌رودانی که در نبشته‌های شاهی میان‌رودان به فراوانی رخ می‌دهد، در ارتباط دانست.<sup>۳</sup> اگر چنین باشد، فرضیه‌ای که منطقی نیز به نظر می‌رسد، حضور سه‌گانه مزبور در بخش فرجامین با نمونه‌های اکدی ایزدان نفرین مطابقت می‌کند: اهورامزدا به عنوان مهست بغان و انلیل / آنو / آشور / مردوک؛ میتره که ایزد پیمان / داوری ایرانی است و با خورشید نیز مرتبط است با شمس ایزد خورشید و داوری؛ و سرانجام ایزدانو آناهیتا که همان‌گونه که از پشت پنجم اوستا، آبان یشت، نیز آشکار است، با ایزدانوی رزمجوی باروری میان‌رودان اینانا / ایشتار، کارکردهای رزمی و باروری را یکجا دارد.

نبشته مزبور که مربوط به پایه ستون کاخ آپادانا در شوش می‌باشد، و بخش پایانی آن به دلیل فروافتادگی، کاملاً خوانا نیست. واژگان واپسین یعنی yātum و kayādā توسط کنت خوانده نشده‌اند و بازسازی جدیدتری از سوی ستو می‌باشند؛<sup>۴</sup> همچنین ستو<sup>۵</sup> و وربا<sup>۶</sup> برای فعل پایانی به ترتیب بازسازی‌های vi[nā□]ītu[v] و vidaya(n)tā را پیشنهاد کرده‌اند که هر دو معنی ویران کردن و تباه کردن می‌دهند. واژه‌های yātum و kayādā در

1. Mary Boyce, (1982), *A History of Zoroastrianism: Volume Two: Under the Achaemenians*, Leiden: Brill, 216ff.

2. Geo Widengren, (1955), *Die Religionen Irans*, Stuttgart: W. Kohlhammer, pp. 118–22.

3. Antonio Panaino, (2000), “The Mesopotamian Heritage of Achaemenid Kingship”, in: *The Heirs of Assyria*. ed. S. Aro and R. M. Whiting, Melammu symposia 1, Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project, pp35-6.

4. Marie-Joseph Stève, “Inscriptions des Achéménides à Suse (Fin)”, *Studia Iranica* 4, 1975, pp. 8-11.

5. Marie-Joseph Stève, (1987), *Nouveaux mélanges épigraphiques: Inscriptions royales de Suse et de la Susiane*, Ville royale de Suse 7, Paris: Editions Serre; Paul Geuthner, pp.88-90.

6. Chlodwig H. Werba, (2006), “mavāred-rā na-bāyad ziyād kard be joz-e ehtiyāq”, in: *Iranistik in Europa: Gestern, Heute, Morgen*, ed. Heiner Eichner, Hannes Hofmann and Vera Giesen, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, pp.286–96.

نیشته‌های پارسی باستان به جز این نیشته دیده نمی‌شود، اما در دیگر زبان باقیمانده از دوره باستان، اوستایی، به کار رفته‌اند. واژه نخست یعنی *yātum* حالت رایبی واژه *yātu* به معنی جادوگر است که در اوستا به دفعات به کار رفته است و بنا به سنت زرتشتی از بدکاران و پیروان اهریمن به شمار می‌رود. واژه دوم یعنی *kayādā* نیز حالت رایبی از واژه *kayāda* است که در اوستا به صورت *kaēta* - و احتمالاً *kaiiaḍa* - به معنی کید، طالع‌بین، اختربین به کار رفته است که بنا به بند پنجم تیر یشت، با دروغ همراه است.<sup>۱</sup>

اگر این خوانش جدید را بپذیریم، هویت گزند رسانانی که اردشیر از بیم آسیب آنان، خواستار حمایت بغان سه‌گانه شده است نیز آشکار می‌گردد: جادو(گر) و کید، که هر دو آن‌ها در دسته نیروهای جادویی قرار می‌گیرند. همچنین باید گفت که حضور آنهایتا و میثره برای حفاظت از شاه و ساخته‌هایش در مقابل جادوگر و کید، تصادفی نیست بلکه می‌توان آن را به باورهای ایرانی در این خصوص مرتبط کرد. در اینجا است که یشت‌های پنجم و دهم که به ترتیب، مختص ستایش آنهایتا و میثره هستند به کمک ما می‌آیند. در کرده سوم، بند ۱۳ از یشت پنجم، دشمنانی که آنهایتا بر آن‌ها چیره می‌گردد موجودات و نیروهای مرتبط با جادو هستند؛ بغ‌بانوست که:

“*yeŋhe ca βārō vaštāra, spaēta vīspa, hamagaonā ṅhō  
hamanāfaēni, bərəza ta ʔauruuaiia ta, vīspanam, t bišuuatam  
t baēšā, daēuuanam mašiiānamca, yā βam pairikanamca,  
sā ram kaoiām karafnamca*”

«چهار اسپ آماده‌اش، سپید، همگون و هم نژاد، بلند، بر دشمنی همه دشمنان، دیوان و مردمان، جادوان و پریان، ستمگران، کوی‌ها و کرپن‌ها، چیره می‌شوند»

از آن گذشته، در کرده نخست، بند ۲، مهردروجان و پیمان‌شکنان که دشمنان اصلی میثره هستند به یک‌صد *kaiiaḍa* تشبیه شده‌اند:

“*mərə caite vīspam daiṅhaom, mairiō mi rōdruš spītama,  
ya a satəm kaiiaḍanam, auuauuat ašauuajaci ...*”

«ای سپیتمه، مهردروج نابکار همه کشور را ویران می‌کند، به سان یک‌صد کیده که آشوتی را کُشد»

1. William W. Malandra, (2009), “KAĒTA”, in: Encyclopædia Iranica, Vol. XV, Fasc. 3, pp. 335-6.



#### نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۱۷

هر چند که در اینجا *kaiiaða* برای تشبیه به کار رفته، ولی وی کُشنده اَشَوَن نامیده شده است و میثره همان‌گونه که در کرده نهم، بند ۳۸ آمده است، نابودکننده کُشنندگان/اَشَوَنان (*ašauua janasca*) است. بنابراین می‌توان این‌گونه برداشت کرد که کید به عنوان کُشنده اَشَوَنان از دشمنان میثره محسوب می‌شود. در صورتی که کارکردهای اناهیتا و میثره در مقابله با نیروهای جادویی در یشت‌ها را به نبشته اردشیر دوم تعمیم دهیم، می‌توان دریافت که در اینجا اردشیر، لزوماً تنها نگران آسیب‌های مادی وارده از سوی دشمنان سیاسی نیست، بلکه نگران گزندهای جادویی است که ممکن است متوجه وی و ساخته‌هایش باشند؛ مضمونی که در میان نفرین‌های بخش فرجامین نبشته‌های میان‌رودانی معادلی ندارد. در اینجا بدون این‌که تطابق میان تثلیث ایزدان میان‌رودانی و بغان ایرانی را نادیده بگیریم، باید گفت که مفهوم نوینی وارد ایدئولوژی شاهی نبشته‌های هخامنشی شده است که ریشه در سنت‌های ایرانی دارد. با این حال در خصوص زمان و ریشه دقیق این مفهوم نوین، نمی‌توان قاطعانه نظر داد. هرچند بویس نیز هویت این مبانی جدید تجسم نوآوری‌های دوره اردشیر دوم در کیش زرتشتی می‌داند،<sup>۱</sup> اما برخی آن را تجسم نوشتاری تلاش نوین اردشیر دوم در جهت گسترش مبانی دینی و ایدئولوژیک پادشاهی خود می‌دانند.<sup>۲</sup> در اینجا قصد آن نیست تا وارد موضوع بحث‌برانگیز دین هخامنشیان شویم، اما باید گفت که نام دو بغ افزوده شده و واژگان جادو و کید در بخش فرجامین نبشته اردشیر دوم، هر چند رنگ و بویی ایرانی دارند و نیز همسانی‌هایی را با برابراهی اوستایی خود نشان می‌دهند، اما لزوماً متعلق به کیش زرتشتی نیستند؛ زیرا پیشینه پرستش این دو بغ به دوره پیش - زرتشتی (اناهیتا) و هندوایرانی (میثره) می‌رسد؛ افزون بر آن، حضور واژه *yātu* در کهن‌ترین متون هندوآریایی یعنی ریگ‌ودا نیز مشاهده می‌شود و چنان‌که از عبارات آن برمی‌آید، سراینندگان وداها نیز نسبت به جادوان نظر مساعدی نداشته و آن‌ها را دشمنان ایندیره می‌دانستند.<sup>۳</sup> بنابراین این نگرش منفی به جادوان را می‌توان یک خصیصه

1. *A History of Zoroastrianism*, pp. 216–7.

2. Israel Campos Méndez, (2013), "Anahita and Mithra in the Achaemenid Royal Inscriptions", in: *Anahita: Ancient Persian Goddess & Zoroastrian Yazata*, ed. Payam Nabarz, London: Avalonia, p. 5.

3. Satnam Mendoza Forrest, (2011), *Witches, whores, and sorcerers: The concept of evil in early Iran / foreword and other contributions by Prods Oktor Skjærvø*, Austin: University of Texas Press, pp.64–5.

مشترک و نسبتاً فراگیر هندوایرانی تلقی کرد. همچنین در خصوص معادل هندوآریایی برای واژه اوستایی *kaiiaða* و در نتیجه پارسی باستان *kayāda*، هر چند که چندین معادل برای آن پیشنهاد شده است، با این حال نمی‌توان در این باره نظری قطعی داد. در واقع آنچه بیشتر منطقی به نظر می‌رسد، تأثیر رویدادهای سیاسی زمان اردشیر دوم بر تحولات ایدئولوژی شاهی است. در زمان اردشیر دوم، شاهنشاهی هخامنشی از لحاظ سیاسی با چالش‌هایی جدی روبرو گشت که نظایر آن را پیش از آن تنها می‌توان در رویدادهای سال ۵۲۲/۲۱ ق. م و برتخت‌نشینی داریوش یکم مشاهده کرد. مهم‌ترین این رویدادها، عبارت بودند از استقلال مصر (۴۰۴ ق. م)، شورش برادر شاه، کوروش کوچک (۴۰۱ ق. م) و شورش شهرب‌های نواحی غربی (۳۵۸-۳۶۸ ق. م)، که از لحاظ مشروعیت سیاسی پادشاهی اردشیر را با بحران مواجه کردند. بنابراین شاید بتوان نوآوری‌های جدید در مضامین نبشته وی، از جمله دگرگونی بخش فرجامین را در پرتو این رویدادها تفسیر کرد و آن را انعکاسی واکنش اردشیر دوم به چالش‌های داخلی و خارجی مشروعیت در ایدئولوژی شاهی دانست.

### نتیجه

همان‌گونه که مشاهده شد، در نبشته‌های میان‌رودانی، هدف نفرین یا مقابله با پیمان‌شکنان و یا محافظت از نبشته‌ها و بناهای شاهی در برابر ویرانگران بالقوه‌ی نبشته‌ها هستند. بررسی سیر نفرین در این نبشته‌ها، نشان می‌دهد که هدف نفرین که در دوره‌ی دودمان‌های آغازین سومری متوجه پیمان‌شکنان بود، در دوره اکدی متوجه ویرانگران نبشته‌های شاهی شد، امری که تا واپسین دوره‌ی حضور نفرین در حیات سیاسی میان‌رودان دوام آورد، زیرا شاهان از بدخواهی و دشمنی رقبای سیاسی و جانشینان خود در بیم بودند. همچنین مضامین نفرین‌ها که در دوره سومری بیشتر متوجه سلامتی فرد نفرین‌شده بود، در دوره بعد عمدتاً به باروری تغییر کرد، هر چند که نمونه‌های نفرین شهریاری و سلامتی نیز در این نبشته‌ها دیده می‌شود. در اواخر دوران نوآشوری تا پایان دوره نوبابلی، نفرین در نبشته‌ها به تدریج کم‌رنگ گشته و جای خود را به مضمونی نوین می‌دهد که بیشتر اندرز و آفرین شاه برای جانشینانش است، هر چند که عبارت مزبور همان نقش نفرین یعنی حفاظت از نبشته‌ها و بناها را ایفا می‌کرد.

داریوش در سنگ‌نبشته بیستون، در یکی از تلاش‌ها برای حل بحران مشروعیت خویش، مجدداً به الگوهای ادبی و نقش‌مایه‌های اکدی روی می‌آورد که حضور نفرین بخش فرجامین با الگوی نبشته‌های دوره اکدی را نیز می‌توان در همین راستا دانست. با این حال، پس از تثبیت قدرت، رویکردی مشابه نمونه‌های نوآشوری و نوبابلی را در بخش فرجامین نبشته‌ها به کار می‌گیرد که در دوره جانشینان وی تا اردشیر دوم، به صورت درخواست از اهورامزدا برای نگاهداری از شاه، دودمان و خاستگاه شاهی و نیز نبشته‌ها و بناها رخ می‌نماید. سرانجام در دوره اردشیر دوم، به دلیل چالش‌های جدید مشروعیت، تثلیث بغان سه‌گانه ایرانی وارد بخش ایزدان نفرین می‌شود و از سوی دیگر در هدف نفرین، ویرانگران مادی جای خود را به ویرانگران جادویی می‌دهند که با توجه به عدم وجود مشابه میان‌رودانی و ارتباط مضامین آن با دو یشت پنجم و دهم اوستا، می‌توان آن را پدیده‌ای برآمده از سنت‌های ایرانی دانست.

فهرست منابع و مآخذ

- Aro, S. and R. M. Whiting, eds, (2000), *The Heirs of Assyria*. Melammu symposia 1. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Assmann, Jan. "When Justice Fails: Jurisdiction and Imprecation in Ancient Egypt and the Near East" *The Journal of Egyptian Archaeology* 78, 1992, pp. 149-162.
- Banks, Edgar J. "A Nebuchadnezzar Cylinder (With Illustrations)" *The Open Court* 4, 1915, pp. 746-751.
- Bartholomae, Christian, (1979), *Altiranisches Wörterbuch: zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten*. Berlin: W. de Gruyter.
- Boyce, Mary, (1982), *A History of Zoroastrianism: Volume Two: Under the Achaemenians*. Leiden: Brill.
- Campos Méndez, Israel, (2013), "Anahita and Mithra in the Achaemenid Royal Inscriptions" In: *Anahita: Ancient Persian Goddess & Zoroastrian Yazata*. Edited by Payam Nabarz, 3-7. London: Avalonia.
- Da Riva, Rocío, (2008), *The Neo-Babylonian royal inscriptions: An introduction*. Münster: Ugarit-Verlag.
- Falco, Jeffrey L, (1992), "The malediction in Indo-European tradition", Advised by Jaan Puhvel, PhD Dissertation, University of California, Los Angeles.
- Feldman, Marian H, (2007), "Darius I and the Heroes of Akkad: Affect and Agency in the Bisitun Relief" In: *Ancient Near Eastern art in context: Studies in honor of Irene J. Winter*. Edited by Irene Winter, Jack Cheng and Marian H. Feldman, 265-93. Leiden: Brill.
- Forrest, Satnam M, (2011), *Witches, whores, and sorcerers: The concept of evil in early Iran / foreword and other contributions by Prods Oktor Skjærvø*. Austin: University of Texas Press.
- Frayne, Douglas, (1993), *Sargonic and Gutian periods (2334-2113 BC)*. The royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 2. Toronto: University of Toronto Press.
- \_\_\_\_\_, (1997), *Ur III period (2112-2004 BC)*. Royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 3/2. Toronto, Buffalo: University of Toronto Press.
- \_\_\_\_\_, (2008), *Presargonic period, 2700-2350 BC*. The royal inscriptions of Mesopotamia. Early periods 1. Toronto: University of Toronto Press.
- Grayson, Albert K., and Jamie R. Novotny, (2012), *The royal inscriptions of Sennacherib, king of Assyria (704-681 BC), Part 1*. The royal inscriptions of the Neo-Assyrian period 3/1. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Hurowitz, Victor, (1992), *I have built you an exalted house: Temple building in the Bible in light of Mesopotamian and Northwest semitic writings*. London: Sheffield Academic Press.
- Kent, Roland G, (1953) *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*. 2nd ed.. New Haven: American Oriental Society.
- Kitz, Anne M, "Curses and Cursing in the Ancient Near East" *Religion Compass* 1, no. 6, 2007, pp. 615-627.
- Little, Lester K, (1987), "Cursing" In: *Encyclopedia of Religion*. Vol. 4. Edited by Mircea Eliade. 16 vols., 182-5. New York: Macmillan.
- Malandra, William W, (1983), *An introduction to ancient Iranian religion: Readings from the Avesta and Achaemenid inscriptions*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- \_\_\_\_\_, (1981), "KAĒTA" In: *Encyclopædia Iranica*. Vol. XV, Fasc. 3, pp. 335-336.
- McCarthy, Dennis J, (1981), *Treaty and Covenant: A study in form in the ancient Oriental documents and in the Old Testament*. Rome: Biblical Institute Press.
- Panaino, Antonio, (2000), "The Mesopotamian Heritage of Achaemenid Kingship" In: *The Heirs of Assyria*. Edited by S. Aro and R. M. Whiting, 35-49. Melammu symposia 1. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Schaudig, Hanspeter, (2001), *Die Inschriften Nabonids von Babylon und Kyros' des Grossen samt den in ihrem Umfeld entstandenen Tendenzschriften: Textausgabe und Grammatik*. Münster: Ugarit-Verlag.
- Scheper, George, (2005), "Cursing" In: *Encyclopedia of Religion*. Vol. 3. Edited by Lindsay Jones. Second ed. 15 vols., 2097-108. Detroit: Macmillan Reference USA.
- Schmitt, Rüdiger, (1990), "BISOTUN iii. Darius's Inscriptions" In: *Encyclopædia Iranica*.

نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی ۲۱

Vol. IV, Fasc. 3, 299–305.

- \_\_\_\_\_, (2009), *Die altpersischen Inschriften der Achaimeniden: Editio minor mit deutscher Übersetzung*. Wiesbaden: Reichert Verlag.

- Stève, Marie-Joseph, (1975), “*Inscriptions des Achéménides à Suse (Fin)*” *Studia Iranica* 4, 7-26 & plates i-v.

- \_\_\_\_\_, (1987), *Nouveaux mélanges épigraphiques: Inscriptions royales de Suse et de la Susiane*. Ville royale de Suse 7. Paris: Editions Serre; Paul Geuthner.

- Werba, Chlodwig H, (2006), “*mavāred-rā na-bāyad ziyād kard be joz-e ehtiyāj*” In: *Iranistik in Europa: Gestern, Heute, Morgen*. Edited by Heiner Eichner, Hannes Hofmann and Vera Giesen, 261–306. Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.

- Widengren, Geo, (1965), *Die Religionen Irans*. Stuttgart: W. Kohlhammer.

- Winter, Irene, Jack Cheng, and Marian H. Feldman, eds. (2007) *Ancient Near Eastern art in context: Studies in honor of Irene J. Winter*. Leiden: Brill.